

توسعه پایدار و حق بر محیط زیست سالم:

چشم انداز نسل‌های آینده

محمد حسین رضانی قوام آبادی^۱ * حسن شفیق فرد^۲

تاریخ دریافت ۱۳۹۴/۷/۱۴ تاریخ پذیرش ۱۳۹۵/۲/۲۰

چکیده

توسعه پایدار، مفهومی منبعث از تحمیل الزامات زیست محیطی بر فرایند توسعه اقتصادی و اجتماعی است که نخستین بار در گزارش براونلند (۱۹۸۷) تصریح و تعریف شد و سپس در بیانیه ریو (۱۹۹۲) به مثابه یکی از اصول پایه‌ای بهره‌برداری از محیط زیست و حفاظت از آن، شناسایی گردید. حق بر محیط زیست سالم نیز به معنای برخورداری انسان‌ها از محیط زیستی پاک است که در آن به رشد و تعالی برسند، در این راستا این پرسش مطرح است که چگونه می‌توان میان این دو مقوله ارتباط منطقی برقرار کرد که در عین رعایت حق توسعه نسل حاضر، حق بر محیط زیست سالم نسل حاضر و آینده نیز رعایت گردد. از آنجایی که این حق، هسته توسعه پایدار را تشکیل می‌دهد؛ توسعه اقتصادی و اجتماعی را در صورتی قابل قبول می‌نماید که شرایط محیط زیستی لازم برای ادامه حیات نسل حاضر و نسل‌های آینده را با چالش روبرو نسازند. از این رو، چنین به نظر می‌رسد که توسعه پایدار و حق بر محیط زیست سالم مسیر و هدفی واحد دنبال می‌کنند و آن شکل‌گیری مجرای برای برخورداری نسل حاضر از توسعه اقتصادی و اجتماعی با رعایت منافع نسل‌های آینده و حفاظت از محیط زیست بوده، اما همزمانی این دو ممکن است سبب چالش‌های اجرایی گردد و عملاً با ترجیح این مفهوم، موجب تضعیف حق بشریت (نسل‌های حاضر و آینده) در برخورداری از محیط زیست سالم و متوازن گردد که راه برون رفت از آن، توجه به مفهوم انصاف بین نسلی و استفاده از اقتصاد سبز است.

واژگان کلیدی: توسعه پایدار، حقوق نسل‌های آینده، انصاف بین نسلی

۲۴۱

یاس جهانی

۱- دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

۲- دانشجوی دکتری حقوق بین الملل دانشگاه شهید بهشتی

* نویسنده مسئول ramazanighavam@yahoo.com

مقدمه

نهاد حقوق بشر، ناظر بر تعهد دولت‌ها به ایجاد و ارتقای شرایطی از حیات بشری است که به وی امکان دهد قابلیت‌ها و استعدادهای خود را به دور از موانع حکومتی و مزاحمت سایرین، در چارچوبی حمایت شده متجلی سازد. به واقع، «حقوق بشر ناظر به آن دسته از حقوقی است که هر انسان به حکم انسان بودن خود از آن‌ها برخوردار می‌گردد، این دسته از حقوق انسانی می‌تواند فردی، جمعی، نسلی و جهانی باشد، به این معنا که لزوماً ناظر به وضعیت فرد در زمان و مکان خاص او نباشد (اسلامی، ۱۳۹۳: ۴۲ - ۴۱)، «با این وجود فضای غالب در گفتمان حقوق بشر، فضای تضمین حق‌های افراد در برابر دولت است، فضایی که دولت را متعهد به تضمین حق‌ها می‌داند» (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۸: ۴۱)

حق بر محیط زیست سالم، از حقوق بنیادین بشر و مساله ای حیاتی در دنیای امروز است که حساسیت و توجه به آن، از رشد بی رویه صنایع و فعالیت‌های توسعه‌ای کنترل نشده در جهان نشأت گرفته است. به واقع، از نظر تاریخی پردازش این حق و تدوین آن به رشد سریع جمعیت جهان، انقلاب صنعتی و گسترش صنایع که خود با بهره برداری بی رویه از منابع طبیعی و ایجاد آلودگی و تخریب در محیط انسانی و طبیعی همراه بوده، باز می‌گردد. اصل اول اعلامیه محیط زیست انسان (اعلامیه استکهلم ۱۹۷۲)^۱ این حق یعنی بهره مندی همگان از محیط زیست مناسب با زندگی پایدار شرافتمندانه را اعلام می‌دارد و این حق را مکمل دو نسل دیگر حقوق بشر یعنی آزادی و برابری قلمداد می‌کند. لیکن بشر بر مبنای اعلامیه حق توسعه مجمع عمومی سازمان ملل ۱۹۸۶^۲ از حق بر توسعه نیز برخوردار گردیده است که بر اساس آن توسعه یک فرآیند همه جانبه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است که هدف آن بهبودی مستمر رفاه کل جامعه است لیکن برای محدود سازی توسعه، نهاد

1-Treaty nations conference on the Environment in Stockholm in 1972.

2 - Declaration on the Right to development, un Doc. A/RES/41/128,4 December 1986.

«توسعه پایدار» برگرفته از اندیشه‌های حقوق بشر و حقوق محیط زیست ایجاد و مورد شناسایی و حمایت جهانی قرار گرفته است. به واقع، این مفهوم یکی از راهکارهای حقوقی اتخاذ شده پس از درک پدیده «احتضار کره زمین» است (کلانتریان، ۱۳۸۲: ۵۹). این مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش است که با توجه به مؤلفه‌های توسعه پایدار و مصادیق حق بر محیط زیست سالم چه نسبتی بین این دو مقوله برقرار است؟ به عبارت دقیق‌تر آیا می‌توانند با یکدیگر سازگاری و هم‌نشینی داشته و هدف والاتری را دنبال کنند یا اینکه در تعارض با یکدیگر قرار گرفته و موجبات تضعیف همدیگر شوند، فرضیه پژوهش این خواهد بود که با تبیین و دقت در مفاهیم و مطالعه در اسناد و متون پی خواهیم برد که توسعه پایدار نهادی به منظور تضمین حق بر محیط زیست سالم است که با این حق و مجموعه هنجارهای حفاظت محیط زیست نوعی همگرایی و هم‌نشینی دارد؛ هرچند گاه فراز و فرود توسعه پایدار در موازین بین المللی و ملی، مرز حق‌های بشری را در می‌نوردد و اولویت توسعه را بر حفاظت محیط زیست استقرار می‌بخشد.

ایجاد مفهوم «بهره برداری خردمندانه» طی سالهای آغازین قرن بیست و یکم در مجموعه نهادهای بین المللی زیست محیطی (به ویژه برنامه محیط زیست ملل متحد) شاید برآیندی از ارتقای آستانه توسعه پایدار و پاسخ به انتقادی باشد که برخی کشورها به انعطاف و سوء استفاده از چارچوب‌های کلی توسعه پایدار مطرح کرده‌اند که نهایتاً ضمن حفاظت از محیط زیست منجر به توسعه متناسب اقتصادی و اجتماعی برنامه‌های نسل حاضر و ضامن نیازها و منافع نسل‌های آینده نیز خواهد بود.

۱. شناخت توسعه پایدار و مولفه‌های آن

توسعه، بهره‌گیری از منابع به منظور ایجاد زیرساخت‌ها و شرایط مادی پیشرفت یک جامعه به ویژه از نظر دسترسی به علوم و فناوری و همچنین ایجاد ساختارهای اقتصادی و صنعتی است که فعالیت و دستاوردهای آنها، نیازهای اساسی مردم در روند زندگی عادی را تأمین نماید. در یک نگرش خوشبینانه، اقتصادی سودمند است

که در جهت توسعه دولت‌ها و دیگر عاملان اقتصادی پیش بینی شود (کیس، ۱۳۹۲: ۲۰). اضافه شدن قید «پایدار» به توسعه، نشان می‌دهد که هرچند اصل و اساس توسعه مورد قبول بلکه غیرقابل انکار است اما محدوده آن به صورت فراگیر و بی ضابطه نیست. به واقع، شاخص و معیاری با عنوان «حفاظت محیط زیست» است که سبب محدود شدن دامنه توسعه کلاسیک شده است. بر این اساس، توسعه ضمن مقبولیت و نیاز مبرم جامعه به آن، باید از نظر «شیوه» بکارگیری به گونه‌ای باشد که معیار حفاظت محیط زیست را که خود از جمله نیازهای اساسی بشری است (حق جمعی و همگانی بر داشتن محیط سالم) رعایت نماید. از این رو، حفاظت محیط زیست و حق بر داشتن محیط سالم برای زندگی به عنوان معیاری کنترل کننده و نظم دهنده به توسعه کلاسیک عمل نموده و حاصل جمع آن، «توسعه پایدار» شده است. توسعه پایدار در تقابل دو ضرورت مهم توسعه یافتگی و حفاظت از محیط زیست در ادبیات حقوقی وارد شد (رمضانی قوام آبادی ۱۳۹۲: ۱۵).

این مفهوم اساس حقوق بین الملل محیط زیست بوده (گروه صلح حقوق بشر، ۱۳۹۱: ۱۵۰) و با اعلامیه ۱۹۸۷ «آینده مشترک ما» که به «گزارش برونلند» نیز موسوم است و به وسیله کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه ملل متحد صادر شده نشأت گرفت و عمومیت یافت (Doweleswell, 1997: 43).

توسعه پایدار سنگ بنای اجلاس زمین را تشکیل داد و در اعلامیه محیط زیست و توسعه ریو نیز تحکیم گردید. در مفهوم دقیق توسعه باید به گونه‌ای باشد که نیازهای نسل حاضر را برآورده سازد بدون آنکه توانایی نسل‌های آینده در برآورده سازی نیازهایشان را به خطر اندازد. در این راستا توسعه ایی مد نظر است که تضمین دهد، استفاده از منابع و محیط زیست در زمان کنونی هیچ آسیبی به دورنمای استفاده نسل آینده وارد نمی‌سازد.

به تعبیری توسعه پایدار تعادل بین انسان محوری و زیست محوری است. در معنای انسان محوری، از محیط زیست باید حفاظت شود به دلیل نفعی که برای انسان دارد نه ارزشی که خودش داراست. ولی نظریات زیست محوری بیان می‌کند، انسان هم

مانند سایر موجودات است و نمی‌تواند عناصر را از بین ببرد. توسعه مفهومی گویاست و پایداری ثبات را به ذهن متبادر می‌کند. اصول ۳ و ۴ اعلامیه ریو در تکاپوی تعریفی از توسعه پایدار است (رمضانی قوام آبادی، ۱۳۹۲: ۴۱۶).

توسعه پایدار از نظر مفهومی، به سازماندهی و ایجاد ارتباط متقابل بین سه محور «فعالیت اقتصادی، توسعه اجتماعی و محیط زیست» ایجاد شده است تا این سه حوزه مستقل را که بی توجهی‌شان به همدیگر، موجب تخریب گسترده محیط زیست جهان در دوران انقلاب صنعتی گردید، به همدیگر و حول محوری مشترک سازماندهی نمایند. در این میان، آنچه اساس کار شد، اولویت رعایت و توجه به ملاحظات زیست محیطی در فعالیت اقتصادی و اجتماعی و بویژه تحلیل اقتصادی منابع زیستی است. یعنی حفاظت محیط زیست به عنوان اساس توسعه قرار گرفت و به دلیل اینکه توسعه همساز با حفظ محیط، موجب پایداری حیات بشری و همچنین استمرار منابع طبیعی و زیستی لازم برای توسعه به نظر می‌رسید، مفهوم «پایدار» به چنین الگویی از توسعه الحاق گردید. شکل‌گیری و رشد این مفهوم، مرهون «ادعاهای حقوقی مرتبط با مظالم مستعمراتی و عدالت توزیعی» یعنی خواسته‌ها و مطالبات جهان سوم است (کینگزبری: ۱۱۳: ۱۳۸۹). که نه تنها نقش جهان سوم را در تنظیم موازین زیست محیطی بین‌المللی نشان داده بلکه حقوق بین‌الملل اقتصادی و حقوق بین‌الملل توسعه را نیز تحت الشعاع قرار داده است (شمسایی، ۱۱: ۱۳۸۵). بند ۵ بیانیه ژوهانسبورگ ۲۰۰۲^۱ این هم‌نشین‌سازی عناصر سه گانه فوق را چنین مورد تاکید قرار داده است: «ضروری است که ما (نمایندگان ملت‌های جهان) مسئولیتی جمعی را برای پیشرفت و تحکیم ارکان تقویت‌کننده و به هم وابسته توسعه پایدار - یعنی توسعه اقتصادی و توسعه اجتماعی و حفاظت محیط زیست - در سطوح مختلف محلی، منطقه‌ای، بین‌المللی و سطوح جهانی بپذیریم».

در بند ۸ نیز همین مساله مورد تاکید قرار گرفت: «ده سال قبل در کنفرانس سازمان ملل متحد در مورد توسعه و محیط زیست که در ریودوژانیرو برگزار شد، توافق

1 -Sustainable World Summit on JOHANNES BURG Development 2002 Sep.

کردیم براساس اصول ریو، حفاظت از محیط زیست و توسعه اقتصادی و اجتماعی اساس و ارکان توسعه پایدار باشند» (گروه صلح کرسی حقوق بشر، ۱۳۹۱: ۱۴۸).

الف- مفهوم شناسی توسعه پایدار

گزارش برونلند ۱۹۸۷، توسعه پایدار را به عنوان «توسعه‌ای که نیازهای موجود را بدون لطمه‌زدن به توان نسل‌های آینده برای برآورده کردن نیازهای خویش، مرتفع می‌سازد»، تعریف نمود.

در پی آن گزارش، پانزدهمین نشست شورا حکام یونپ (۱۹۸۹)، تشریح کرد که توسعه پایدار به «پیشرفت به سمت و سوی انصاف ملی و بین‌المللی و همچنین حفاظت، استفاده خردمندانه و تقویت پایه منابع طبیعی که اساس اعاده وضعیت اکولوژیک و رشد اقتصادی را تشکیل می‌دهد»، اطلاق می‌شود؛ (U.N.Doc.A/44/25/ (1989) تعریفی که زمینه‌های تدریجی ایجاد مفهوم «بهره برداری خردمندانه» را به عنوان مرکز ثقل توسعه پایدار فراهم ساخت و امروزه، از بهره برداری خردمندانه به کرات در مجامع بین‌المللی زیست محیطی استفاده می‌گردد. با این حال باید توجه داشت که توسعه پایدار، مفهومی پیچیده و چندوجهی است (Elliot, 2006: 10). که در مورد آن تعریف جامعی وجود ندارد. به طوری که در همان سالهای ابتدائی تکوین آن تا سال ۱۹۹۲، بیش از ۷۰ تعریف از آن ارائه شده است (Elliot, 2006: 9). هر چند می‌توان گفت، توسعه پایدار از منظر حقوق بین‌الملل، «قاعده‌ای میانجی است که تطابق میان قواعد متعارض محیط زیستی، اقتصاد و توسعه اجتماعی (از جمله حقوق بشر) را تأمین می‌کند». (شمسایی، ۱۳۸۵: ۱۱) توسعه پایدار که مکرر در اسناد بین‌المللی بیان شده است مظهر توجه و التفاف به نیازهای نسل آینده نیز می‌باشد (Weiss.2015: 198). بطوریکه ضمن برآورده شدن حقوق نسل حاضر، تهدیدی برای توانایی نسل‌های آینده برای مرتفع نمودن نیازهایشان نیز نباشد، با این وصف توسعه پایدار نقطه اتصال سه حوزه حقوق بشر، محیط زیست و اقتصاد است. (شهبازی، ۱۳۸۹، ۱۳۸) توسعه پایدار حاکی از پیوستگی و ادغام نگرانی‌های محیط زیستی و اجتماعی در کلیه بخش‌های سیاست اقتصادی است. همان گونه که در اصل

۴ اعلامیه ریو آمده است: «به منظور دستیابی به توسعه پایدار، حفاظت از محیط زیست جزء لاینفک توسعه خواهد بود و نمی‌تواند مجزا از آن تلقی شود» انگیزه‌های اقتصادی اجتماعی و زیست محیطی از یکدیگر جدا نیستند، نباید با یکدیگر معاوضه شوند بلکه متقابلاً باید از هم حمایت کنند و با هم همبستگی داشته باشند (Pearce, 2012: 4). در این راستا است که ضرورت اختلاط اقتصاد و محیط زیست، موجب شده است نهادها و موضوعاتی مانند اقتصاد محیط زیست^۱، حسابداری^۲، حسابرسی محیط زیست^۳ پدیدار گردد. اما عمده نگاه توسعه پایدار تنظیم سیاست‌های زیست محیطی است و تصویب چندین کنوانسیون نظیر کنوانسیون تنوع زیست محیطی^۴ و کنوانسیون چارچوب ملل متحد در مورد تغییرات آب و هوایی^۵ دلالت بر تاکید این مفهوم دارد (محمدی، ۱۳۹۴، ۱۳۵). یکپارچه سازی محیط زیست و توسعه به منظور پیشگیری از تشدید فقر، عدم سلامت، شکاف روبه فزونی میان کشورهای فقیر و غنی و زوال بی وقفه اکوسیستم‌ها هدف آن محسوب می‌شود. همچنین تعاریف مهم در چارچوب اهداف توسعه هزاره^۶ با تاکید جدی بر اصول پایداری و امحاء فقر امروزه در اکثر خط مشی‌ها و ساز و کارهای حقوقی بین المللی مربوط به توسعه پایدار، همچون اجلاس جهانی سازمان ملل متحد در مورد توسعه پایدار^۷ منعکس گردیده‌اند.

توسعه پایدار بر اساس درک محیط زیستی شکل گرفته است که بر پایه چند رکن بنیادین استوار است و می‌توان آنها را شاخص‌های زیست محیطی توسعه پایدار نامید. این شاخصها عبارتند از:

- 1 - Environmental Economy.
- 2 - Environmental Accounting.
- 3- Environmental Auditing.
- 4 -Convention on Biological Diverstiy, Rio de Janeiro, 5June 1992, entered into force 29 December 1993,1760 UNTS 79 (1992)
- 5 - United Nations Framework Convention on Climate Change, 1771UNTS 107;S.Treaty Doc no. 102-38;UN Doc.A/AC.237/18
- 6- United Natios Millennium Declaration, UN Doc. A/Res/55/2(2000).
- 7 - Report of the World Summit on Sustainable Development, UN Doc. A/CONF.199/20(2002)

- **درک ارزش محیط زیست** (شناسایی سرمایه‌های زیست محیطی به مثابه ثروت ملی که ارزش مادی و معنوی‌شان همواره و همگام با سرمایه‌های انسانی تعیین گردد)؛
- **تضمین پایداری** (تضمین استمرار بهره برداری از منابع و حفظ محیط زیست)؛
- **تعادل توسعه** (توجه به توازن ابعاد مکانی، زمانی و اجتماعی به طوری که نسل‌های امروز و فردا، مناطق دارا یا فاقد منابع طبیعی و نهایتاً کلیه اقشار اجتماع را به صورت متعادل مدنظر قرار دهد)؛
- **برابری درون و بین نسلی** (نسل امروز نباید هزینه زندگی خود را بر آیندگان تحمیل کند بلکه هم نسل‌های امروز و فردا و هم اعضای نسل امروز همگی به صورت برابر از حق بهره مندی و کاربری منابع زیست محیطی برخوردارند)؛ و نهایتاً
- **کارآئی** (در برابر هر نهاده، میزان ستانده‌ای متناسب و دارای منطق اقتصادی به وجود آید). (جمالزاده فلاح، ۱۳۸۲، ۱۰۶ و ۱۰۷)

در تفاوت و مقایسه توسعه پایدار با حفاظت محیط زیست، می‌توان به گستردگی مفهوم توسعه پایدار اشاره کرد. بر این اساس، این توسعه با تحت پوشش قرار دادن همه نسل‌های بشری و سکونت آنها بر زمین و بهره مندی از محیط کیهانی، گستره‌ای فراتر از طبیعت را - که مرکز ثقل حفاظت محیط زیست است - در بر می‌گیرد. به واقع، توسعه پایدار صرفاً ناظر بر رفتار بشر در طبیعت و سیاره زمین نبوده بلکه همه اجزا و ابعاد عملکرد انسانی و سرنوشت وی را در ابعاد محیطی، اجتماعی و اقتصادی در بردارد. (ساعد، ۱۳۸۸، ۱۵۲) لذا می‌توان گفت برای دستیابی به توسعه پایدار، فرآیند توسعه باید تضمین کننده نگاهداری از محیط زیست باشد و اصل ۲۵ اعلامیه ریو نیز بدین صورت در پیوند محیط زیست و توسعه تاکید می‌کند، که صلح، توسعه و محیط زیست یک وابستگی دو سویه دارند و جدایی ناپذیرند. (رمضانی قوام آبادی، ۱۳۸۸: ۶۳)

به نظر می‌رسد که نسبت مفهوم توسعه، همچنین وضعیت‌های هر کشور از نظر محیطی و عوامل تخریب آن به معنای آن است که ضمن رعایت هسته سخت این مفهوم، کشورها در انتخاب محورهای اجرائی و شیوه‌های اجرائی کردن این هسته و همچنین حیطه پیرامونی آن از صلاحدید برخوردارند. به هر حال شکی نیست که مفهوم توسعه پایدار وارد بدنه حقوق بین الملل عرفی شده است (مسعودی، ۱۳۹۴: ۱۳۲) با دقت در بعضی قضایای دیوان بین المللی دادگستری نیز به این مفهوم و رعایت عناصر آن در اسناد رویه‌ای پی می‌بریم مثلاً در قضیه گابچیکوو- ناگیماروش دعوی میان اسلواکی و مجارستان دیوان به صورت ویژه از طرفین خواسته است که به این مفهوم و رعایت آن در عملکرد خود توجه نمایند (ICJ. Gabcikovo - Nagymaros project 1997:77-78)

ب) حق توسعه و تعهد به پایدارسازی آن

«حق توسعه از حقوق بشری است که نمی‌توان آن را از انسان گرفت و در نتیجه و براساس آن، هر انسان و همه مردمان حق دارند در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی که در آن‌ها همه آزادی‌های بنیادی و حقوق بشر می‌توانند به طور کامل تحقق یابند، شرکت کنند و از آن‌ها برخوردار شوند. عبارت «هر انسان و همه مردمان حق دارند از توسعه برخوردار شوند» متضمن این نکته است که حق توسعه علاوه بر مفهوم جمعی، مفهوم فردی نیز دارد. (صلح چی، ۱۳۹۲: ۱۵۱) هر چند درباره حق بر توسعه همچون دیگر مصادیق حقوق همبستگی یا به اصطلاح نسل سوم از حقوق بشر تردیدهایی وجود دارد (انصاری، ۱۳۹: ۱۷۷) اما حق توسعه جزئی از حقوق بشر می‌باشد و یک حق اساسی است که ضامن آزادی و پیشرفت، عدالت و خلاقیت انسان‌ها است (مولایی، ۱۳۸۱: ۵۴).

زیرا مقدمه و ماده ۲ اعلامیه حق توسعه ۱۹۸۶ اعتقاد دارد که شخص انسان موضوع اصلی فرایند توسعه است و اینکه در نتیجه هر سیاست توسعه می‌باید او را به عنوان مشارکت کننده اصلی این فرایند و ذینفع اصلی محسوب داشت لذا حق توسعه حقی غیرقابل سلب است و دولت‌ها حق و وظیفه تنظیم سیاست‌های توسعه ملی مناسب

را که هدفش بهبودی مستمر کل جمعیت و همه افراد بر مبنای مشارکت فعال، آزاد و مفید آنها در توسعه و در تقسیم منصفانه ثمرات حاصل از آن است، دارند. بهم پیوستگی و لاینفک بودن صلح، توسعه و حفاظت محیط زیست، مساله ای پذیرفته شده است. توسعه پایدار نیز مفهومی بر پایه عمق بیشتر حفاظت محیط زیست است. حفاظت اصول مهمی را در خود جای داده است، اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت یکی از این اصول است که از مفهوم «میراث مشترک بشریت»^۱ نشأت گرفته است و بر مسئولیت کشورها برای حفاظت از محیط زیست و در عین حال تعهدات متفاوت آنها با در نظر گرفتن شرایط و اوضاع و احوال متفاوت و خاص کشورها در ایجاد مشکلات زیست محیطی و تواناییهای فنی و اقتصادی شان برای برطرف کردن مشکلات زیست محیطی تاکید دارد (عبدالهی، ۱۳۸۹: ۱۹۹). در کنار آن اصل احتیاط زیست محیطی نیز برای حفاظت از محیط زیست دولت‌ها را مکلف به اعمال تدابیر احتیاطی وسیعی متناسب با امکانات خود نموده است (رمضانی قوام آیادی، ۱۳۹۲: ۱۴۱). توسعه پایدار همچنان که بر توسعه در کلیت آن حاکم است، بر چارچوب بندی جنبه‌های حقوق بشری آن یعنی تعیین دامنه حق توسعه نیز ناظر و حاکم خواهد بود. این حق خواه در بعد فردی و جمعی، ملی و بین المللی آن مقید به حفاظت محیط زیست است. به تعبیر اصل سوم بیانیه ریو، «حق توسعه باید مشروط براین باشد که نیاز نسل کنونی و آینده، با توجه به توسعه و محیط زیست، به طور عادلانه مراعات شود».

آرمان توسعه پایدار در عمل، برای سیاست‌گذاری ملی^۲ مشکلات عمده‌ای را در پی دارد. از یک دیدگاه، توسعه پایدار را می‌توان به عنوان اصلاح یا حداقل تشریح «حق توسعه» تلقی کرد. همانگونه که اعلامیه ریو تأیید می‌کند: «حق توسعه باید به گونه‌ای اعمال شود که توسعه و نیازهای زیست محیطی نسل‌های حال و آتی [بشری] را به نحوی منصفانه برآورده سازد». (بیانیه ریو اصل ۴) پس از ریو بوده است که

1- common heritage of mankind
2- National policy-making.

بیشتر دولت‌های جهان از طریق اجرای دستور کار ۲۱، تلاش‌های خود را برای برنامه‌ریزی اساسی حرکت به سمت توسعه پایدار آغاز کردند. در این مسیر، برداشت‌ها و تدابیر متفاوت بسیاری اتخاذ شده است. بیانیه ژوهانسبورگ (۲۰۰۲) با وجود تلاش‌های فراوانی که برای برگزاری آن صورت گرفت، محتوایی جدید بر بیانیه‌های ۱۹۷۲ و ۱۹۹۲ نیفزود بلکه به تکرار آن‌ها با زبانی دیگر پرداخت و تنها مسائلی جدید نظیر جهانی شدن را در مسیر حرکت به سمت توسعه پایدار از مصادیق چالش‌ها شناخت. بر اساس مقدمه این بیانیه، دولت‌های شرکت کننده با معرفی کردن خود به عنوان نمایندگان ملت‌های جهان، اشعار داشتند که:

«طی روزهای دوم تا چهارم سپتامبر سال ۲۰۰۲ در اجلاس سران برای توسعه پایدار در ژوهانسبورگ آفریقای جنوبی گردهم آمده‌ایم تا یک بار دیگر بر تعهدات خود نسبت به توسعه پایدار تاکید ورزیم؛ متعهد می‌شویم تا جامعه جهانی را به گونه‌ای انسانی، برابر و مسئول بنا کنیم تا در خور منزلت بشری برای همگان باشد. در آغاز این اجلاس، کودکان جهان با سادگی و به روشنی به ما گفتند آینده متعلق به آن‌هاست و از این رو همه ما را به چالشی فراخواندند تا اطمینان دهیم از طریق اقدامات خود دنیایی فارغ از ذلت و تحقیر حاصل از فقر، تخریب محیط زیست و الگوهای توسعه ناپایدار را برای آنها به ارث می‌گذاریم».

لازم به ذکر است، در راستای کمک به توسعه پایدار، اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت سبب تحمیل تعهدات متفاوت قراردادی برای کشورهای توسعه یافته شده است. بطوریکه گفته شده است با منصفانه کردن تعهدات این دولت‌ها از طریق ایجاد توازن در حل مشکلات زیست محیطی جهانی به تقویت توسعه پایدار دولت‌های در حال توسعه کمک کرده است. (عبداللهی، ۱۳۸۹: ۲۱۹)

۲. محیط‌زیست پاک در رویکرد نظام بین المللی حقوق بشر

هر چند در متون و اسناد بین المللی تعریف روشنی از حق بر محیط زیست سالم ارائه نشده است و عموماً از مواد ۱۴ و ۱۵ پیش طرح سومین میثاق بین المللی حقوق همبستگی ۱۹۸۲ در مقام بیان این حق استفاده می‌گردد (رحمت‌اللهی ۱۳۹۳:

۹۹) و برخی از حقوقدانان حقوق همبستگی (جمعی) را اساسا حق نمی‌دانند و از ماهیت جمعی حقوق نسل سوم نیز حقوق فردی استنتاج می‌کنند (فرناندوتسون، ۱۳۹۲:۲۶۸). اما نظر غالب بر پذیرش این تقسیم بندی است لذا حق فردی و جمعی بشر بر داشتن محیط‌زیستی سالم که در آن بتواند قابلیت‌ها و استعدادهای خویش را به منصفه ظهور برساند، یکی از نتایج قهری و غیرقابل اغماض حقوقی است که به بشریت تعلق دارد و در واقع حقوق اساسی و بنیادین وی را تشکیل می‌دهند. حق بر محیط زیست سالم با داشتن جنبه فردی و جمعی دارای آثاری است، در جنبه فردی هیچ شهروندی حق ندارد به محیط زیست آسیب رسانده و سبب تخریب آن گردد، لذا اشخاص زیان دیده در نتیجه این آسیب حق اقامه دعوی خسارت زیست محیطی دارند، از طرف دیگر جنبه جمعی آن مطرح می‌باشد که به وظایف دولت‌ها در تعهد به همکاری در حل مشکلات زیست محیطی جهانی بر می‌گردد (عباسی، ۱۳۹۰: ۴۵۲).

در بند ۱ ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است: «هر کس حق دارد که سطح زندگی، سلامتی و رفاه خود و خانواده‌اش را از حیث خوراک مسکن، مراقبت‌های پزشکی و خدمات اجتماعی تأمین کند.» ماده ۲۱ منشور جهانی حقوق بشر، ماده ۱۴ پیش نویس میثاق بین المللی حقوق همبستگی ۱۹۸۲ که صراحتا بر برخورداری انسان‌ها از حق بر محیط زیست سالم سخن به میان آورده است و اعلامیه استکهلم که اولین سند بین المللی است که خیلی روشن رابطه بین حق فردی انسان و کیفیت محیط زیست را مورد شناسایی قرار می‌دهد (مولایی، یوسف، ۱۳۸۶: ۲۷۸). و رکن اصلی همه این اسناد «انسان و محیط زیست انسان است که باید حفظ شود. (رمضانی قوام آبادی، ۱۳۹۰: ۲۸). اگر حقوق اساسی شناخته شده بشر (خواه از نسل اول یا دوم) مورد بررسی قرار گیرد، برخی از آن‌ها دارای ابعاد زیست‌محیطی بوده و در پرتو همین حقوق، برخورداری کلیه انسان‌ها از محیط‌زیستی سالم، پاک، بهداشتی و امن به عنوان یکی از اجزای تشکیل‌دهنده یا اثر اجتناب‌ناپذیر آن حقوق خواهند

بود. البته ماهیت هر دسته از این حقوق به تبع نسلی که بدان تعلق دارند، متفاوت خواهد بود.

الف- جنبه‌های محیط‌زیستی نسل اول حقوق بشر

حق حیات، حق مشارکت، حق دستیابی به اطلاعات، حق آموزش و پرورش، حق بر نیازهای اولیه زندگی و لوازم بقا، از جمله حقوق مدنی و سیاسی هستند که دارای جنبه‌های زیست محیطی بوده، برخی ابعاد محتوایی حق بر محیط زیست را افاده می‌نمایند. به عنوان نمونه، «حق وجود و حق تنفس»، مقدمه و شرط لازم حق حیات هستند. موضع انسان در برابر طبیعت باید بر اساس وضع حق هستی و حق تنفس تعیین گردد. (گروه صلح کرسی حقوق بشر، ۱۳۹۱: ۲۵۲) حق بر محیط زیست سالم تا حدی پیش رفته است که برخی آن را بخشی از حق حیات معرفی نموده‌اند (Berssin, 2005) همچنین این حق دارای ویژگی حیاتی است که شرط بنیادین زندگی تلقی شده و برای ارتقاء کرامت انسان و تحقق تمامی جنبه‌های حقوق بشر اجتناب ناپذیر قلمداد شده است (Human development Report 2000. 5).

قاضی ویرامانتری در قضیه «گابچی کوو- ناگیماروش» اعلام نمود که حمایت از محیط زیست بخش مهمی از دکرترین حقوق بشر معاصر است زیرا چنین حمایتی شرط لازم و اساسی تحقق بسیاری از حقوق دیگر مثل حق بهداشت و خود حق حیات است (ICJ.1997.P23). در مکتب زیست محیطی ادیان الهی، تنظیم چنین ارتباطی از واضع و مقنی نشات می‌گیرد که خود خالق کل هستی است. (اصغری لقمجانی، ۱۳۸۷: ۱۵) واژه زمین، یکصدبار در قران بکار رفته و بالاترین واژه کاربردی در این منبع الهی به نسبت دیگر واژگان کلیدی حقوق محیط زیست است (جمالزاده فلاح، ۱۳۸۹: ۵۹). این امر دلالت بر حمایت از محیط زیست در تضمین سلامت عمومی بشریت است بطوریکه نقض حق بر محیط زیست سالم موجب نقض حق‌های نسل اول حقوق بشر می‌گردد در عین حال رعایت آنها به تحقق و استیفای کامل حق بر محیط زیست سالم منتهی می‌گردد (میرزاده، ۱۳۹۲: ۴۶)

ب- جنبه‌های محیط‌زیستی نسل دوم حقوق بشر

با تصویب میثاق حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶، فهرستی از این حق‌ها برای بشریت به ارمغان آورده شد. حق بهره‌مندی از حداقل‌های زندگی مناسب از لحاظ بهداشت، رفاه فردی انسان و خانواده‌اش، غذا، پوشاک، مسکن، خدمات اجتماعی و نظایر نه تنها در میثاق بلکه در اعلامیه آمریکایی حقوق بشر، منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها و اسنادی از این قبیل شناسایی گردید. اما داشتن پیوند عمیق میان حق بر محیط زیست سالم و حق‌های نسل دوم سبب شده است که تمتع و استیفای کامل حق‌های مذکور مستلزم وجود محیط زیستی سالم باشد بطوریکه با نقض حق مذکور حق‌های برشمرده شده نیز نقض خواهند شد. اهمیت این موضوع تا حدی بوده است که قطعنامه ۴۵/۹۴ مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۹۰ مجتمع عمومی با عنوان «ضرورت تضمین محیط زیستی بهداشتی برای رفاه افراد» هم‌افزایی و تأثیر متقابل این دو را نمایانگر ساخته است. از سوی دیگر برای تحقق و اجرای توسعه پایدار، وجود حق بر محیط زیست سالم، غذا، بهداشت، تأمین اجتماعی و نظایر آن مورد تأکید قرار گرفته است. یکی از حقوقدانان ضمن تقسیم بندی حقوق بشر به حقوق جوهری و غیرجوهری ابتدا فهرستی از مصادیق حقوق بشر همچون تغذیه مناسب، مسکن مناسب، تأمین معاش و نظایر آن را ارائه می‌دهد و معتقد است برای درک بهتر حقوق بشر باید این واقعیت را پذیرفت که حق بر محیط زیست سالم با حقوق جوهری یاد شده عجین شده‌اند. (Sachs, 2003) از طرف دیگر، حق بر آب یک حق اساسی بشری است (Elver, 1999:395) و در کنار ملازمه آن با حق حیات حق بهداشت و حق تغذیه خود گویای حق بر محیط زیست سالم است. لازمه بهره‌مندی همگانی از حق بر آب (و در نتیجه امکان حیات پایدار) آن است که محیط زیست از سلامت و تعادل زیست‌بومی برخوردار باشد و در واقع، حق بر محیط زیست سالم مراعات گردد. در غیر این صورت، نقض حق بر محیط زیست سالم، نقض حق بر آب (و حتی حق حیات) را به دنبال خواهد داشت (UN Doc. CCRR/C/21Rew.1989. 5).

ج- بهره مندی از محیط زیست در پرتو حقوق همبستگی

طبق دیدگاه طرفداران حقوق همبستگی، نظام حقوق بشر شناسایی شده در منشور بین المللی حقوق بشر نظام حقوق بشر سنتی است که برای تحقق اهداف اندیشه حقوق بشر، کافی نیست و باید اصلاح و تکمیل شود. عمده دلیلی که ذکر شده است براساس آن حقوق بشر سنتی از اندیشه لیبرالیسم ملهم است در حالیکه نمی تواند تأمین کننده اهداف اندیشه حقوق بشر باشد، لذا حقوق همبستگی نقدی بر مبانی نظری حقوق بشر سنتی است (Donnelly, 2001:3). بر این اساس از آنجا که زندگی بشر صرفاً جنبه فردی ندارد و برخی از خیرها و منافع همانند حق بر محیط زیست سالم جمعی هستند و همه باید به طور جمعی از آنها متمتع شوند لذا باید حمایت شوند (vander wal, 1990: 84) حق بر محیط زیست سالم به عنوان یکی از حق های جمعی بشری هدفش برقراری ارتباط با حق نسل های اول و دوم است، به عبارتی حق های نسل سوم در صدد تا حق های موضوع دو نسل دیگر را تقویت و تکمیل کنند نه اینکه جایگزین آنها گردند (Wellman, 2000:641).

این حق به طور کلی مستقل از حقوق محیط زیست قلمداد می گردد (مولایی، ۱۳۸۶:۲۷۲). طرفداران حقوق بشر حق بر محیط زیست سالم را به عنوان یک حق مستقل حقوق بشری برای داشتن محیط زیست با کیفیت به رسمیت می شناسند. این حق منعکس کننده ارزش های متعالی و پایه ای همانند حق به حیات، حق سلامتی، حق به زندگی با استاندارد است و هم با پیش نیازهای تداوم حیات نسل کنونی و نسل های آتی همانند توسعه پایدار ارتباط تنگاتنگ و ارگانیک دارد (مولایی، ۱۳۸۶: ۲۷۳).

پس از گذشت شش سال از تدوین میثاق های حقوق بشر، جلوه هایی از نسل دیگری از حقوق بشر در اسناد «حقوق قوام نیافته» متجلی شد و سپس با تحول جامعه بین المللی، نهایتاً مفهوم همبستگی را در حقوق بین الملل پدیدار ساخت. وجه تسمیه این دسته از حقوق بشری، از ماهیت و اوصاف حقوقی آنها نشأت می گیرد.

مجموعه حقوق همبستگی شامل حق بر محیط زیست سالم، حق بر توسعه، حق بر صلح و حق بر میراث مشترک بشریت می باشد. مجموعه این چهار حق گسترده بشری، گویای تحول حقوق بین الملل از برابری رسمی به برابری حقیقی از یک سو و از همکاری به همبستگی هستند (اعلامیه استکهلم، ۱۹۷۲ بند ۴ مقدمه). حق بر صلح، مانعی حقوقی در راه استمرار وضعیت های جنگی است ولی بدون برطرف ساختن فاصله طبقاتی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، هیچ صلحی پایدار نخواهد ماند. از طرف دیگر حق بر توسعه نیز باید در پرتو حق بر محیط زیست سالم استیفا شود و گرنه حیات توأم با صلح را به خطر خواهد انداخت. در هر حال، این حق به منزله حقی مستقل برای بشر، در مجموعه گسترده ای از اسناد بین المللی بعد از ۱۹۶۸ مورد شناسائی واقع شده که برخی از آنها عبارتند از:

- ۱- قطعنامه ۲۳۹۸ مجمع عمومی ملل متحد (۱۹۶۸)
- ۲- اعلامیه ۱۹۷۲ استکهلم
- ۳- منشور آفریقایی حقوق بشر و اقوام ۱۹۸۱
- پیش نویس میثاق بین المللی حقوق همبستگی ۱۹۸۲
- ۴- منشور جهانی طبیعت ۱۹۸۲
- ۴-۵- کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه (آنسد) ۱۹۸۷
- ۶- پروتکل سان سالوادور ۱۹۸۸
- ۷- اعلامیه ۱۹۸۹ لاهه و قطعنامه ۴۱ کمیسیون حقوق بشر
- ۸- اعلامیه ۱۹۹۲ ریو
- ۹- گزارش کمیته فرعی منع تبعیض و حمایت از اقلیتها ۱۹۹۴
- ۱۰- پروتکل اول کنوانسیون حقوق بشر اروپا و منشور حقوق بنیادین اروپا ۲۰۰۰
- ۱۱- کنوانسیون آرهوس ۱۹۹۸

محتوای این حق متضمن «حق مشارکت شهروندان در اتخاذ تصمیمات زیست محیطی، حق دسترسی به اطلاعات، حق آموزش و حق دادخواهی» در زمینه حفاظت محیط زیست تلقی شده است که اولاً بستری برای تضمین حقوق بشر فراهم

می‌سازد؛ ثانياً ابزار کنترل و هماهنگ سازی سایر حقوق بشری است و ثالثاً از رعایت سایر حقوق بشر تأثیر می‌پذیرد و رعایت آن بدین وسیله تضمین می‌گردد.

«در واقع این مؤلفه‌ها تبیین کننده اصل مشارکت در حقوق بین الملل محیط زیست است که شناسایی و اجرای این اصل به مثابه به اجرا گذاشتن حق بر محیط زیست سالم است، به رغم اینکه حق مزبور، اساسی شده و در قوانین بسیاری از کشورها درک شده است، ولی این امر به تنهایی کفایت نمی‌کند و باید به صورت محسوس به مرحله اجرا گذاشته شود. اصل مشارکت این موقعیت را برای تحقق واقعی و مؤثر حق بر محیط زیست سالم در عالم خارج فراهم می‌سازد.» (رمضانی قوام آبادی، ۱۳۸۹:۱۱۰).

حقوق عمومی شهروندان در داشتن حیات و اموال و مالکیت، در حفاظت محیط زیست نقش قطعی موثری دارند. نه تنها این حقوق فضا و گستره اجتماعی را که فعالیت سیاسی در آن صورت می‌گیرد تعیین و تبیین می‌نمایند بلکه حق بر حیات و اموال نیز خود استانداردهای اساسی در خصوص روابط انسانی در دنیای طبیعت هستند. بعنوان مثال، «حق بر بهداشت»^۱ اگر با دیدگاهی سخت گیرانه مورد توجه قرارگیرد، مستلزم آنست که دولت‌ها گام‌هایی برای حفاظت از اتباع خویش در برابر محیط زیست سمی بردارند و کالاهایی سازگار با رفاه فیزیکی و روانی آنان را ارائه نمایند. در بسیاری از موارد، این امر مستلزم اتخاذ سیاست‌هایی برای پیشگیری از تخریب محیط زیست می‌باشد. حق بر بهداشت ممکن است به طریق دیگری نیز با حفاظت محیط زیست پیوند یابد. سیاست‌های ایجاد شده برای حمایت از انسان‌ها نیز ممکن است بصورت طبیعی، از گونه‌های گیاهی و حیوانی و فرآیندهای زیست محیطی حفاظت نمایند. بعنوان مثال، تدابیر ایجاد شده برای حفاظت از انسان در برابر انتشار پرتوهای رادیولوژیک، گونه‌های غیرانسانی را نیز در برابر انتشار این پرتوها حفاظت خواهد کرد و بدین طریق، حمایت‌هایی را اگرچه بطور غیر مستقیم

برای گونه‌های غیر انسانی که بخش عظیمی از محیط زیست هستند، پدید خواهند آورد.

۳. نسبت میان توسعه پایدار و حق بر محیط زیست سالم

مفهوم توسعه پایدار دلالت بر توسعه‌ای دارد که نیازهای مربوط به توسعه و محیط زیست نسل‌های حاضر و آینده را بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده در برآورده کردن نیازهایشان تأمین کند این مفهوم عناصر مختلفی اعم از شکلی و ماهوی را به عنوان عناصر حقوقی مورد شناسایی قرار می‌دهد که این عناصر ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند و غالباً به صورت ترکیبی و نیز به جای یکدیگر مورد استفاده قرار می‌گیرند و بیانگر این موضوع است که دارای وضعیت و تعریف حقوقی معین و مورد توافقی نیستند (مسعودی، ۱۳۹۴: ۱۳۲).

از مهمترین عناصر موجود در این مفهوم: حق توسعه برای نسل حاضر، تأمین نیازها، منافع و رعایت توانمندی نسل‌های آینده، بهره برداری از محیط زیست و منابع طبیعی با حفظ حقوق نسل‌های حاضر و آینده «انصاف بین نسلی»^۱ ضرورت حفاظت از محیط زیست بشر (حق بر محیط زیست سالم) می‌باشند. اینجاست که گفته می‌شود حقوق بین الملل به عنوان کلیدی تعادل ساز می‌بایست بین عناصر و مفاهیم خود ارتباط منطقی برقرار نماید و سبب ارتقاء آنها گردد نه اینکه منعکس کننده تعارضات آنها باشد، پیوند بین مفاهیم حقوق بین الملل از طریق تفسیر متقارن امکانپذیر است لذا توسعه و تحولات باید به صورت برابر حرکت کنند (Weiss, 2009: 9).

از طرف دیگر حق بر محیط زیست سالم که اکنون به عنوان حقی از نسل سوم بشر تقریباً جای پای خود را در اسناد، آراء محاکم و قوانین اساسی کشورها محکم نموده است الزاما برای حیات و استمرار نسل بشریت و رفاه و زندگی مناسب نسل حاضر شناسایی گردیده است، حال آیا امکان همنشینی میان توسعه پایدار و حق بر محیط زیست سالم وجود دارد؟ به نظر می‌رسد توسعه پایدار خود دارای هسته‌های اولیه و

سختی است که رعایت همزمان و منصفانه همه آنها سبب خواهد شد که بتوان از اجرای آن دفاع نمود. به عبارتی توسعه پایداری مد نظر حقوقدانان است که در عین حال که حق توسعه نسل فعلی را دنبال می‌کند حق برمحیط زیست سالم و متوازن نسل حاضر و آینده را نیز رعایت می‌کند، مردم بومی در طول هزاران سال یاد گرفته‌اند تا در توازن با زمین و آب‌ها زندگی کنند. این قصد برای بقاء و کامیابی در این سیاره برای نسل حاضر و نسل‌های بعدی است. این بقا بستگی به یک شبکه زنده از روابط در جوامع ما و زمین در میان انسان‌ها دارد. بهره برداری از منابع طبیعی باید به گونه‌ای باشد که محیط زیست را نیز پایدار نگه دارد پس پایداری می‌تواند صفت مشترک توسعه و حق بر محیط زیست سالم باشد (Raffensperger, 2008: 45). از طرف دیگر حق بر محیط زیست سالم خود ترجمان حق نسل‌های آینده است که دقیقاً هسته دیگر توسعه پایدار را تشکیل می‌دهد.

حق نسل‌های آینده یک حق مسلم و خود به خود قابل اجراست که در برگیرنده «بهره مندی از هوای پاک، آب سالم، زمین‌های خوش منظره و زیبا، آزادی از قرار گرفتن توجیه ناپایدار در معرض مواد شیمیایی سمی و سایر آلاینده‌ها و آب و هوای امن است.» (Harvard law school, 2008:6). با این وضعیت می‌توان گفت، توسعه پایدار و حق بر محیط زیست سالم یک هدف متعالی‌تری را دنبال می‌کنند و آن شکل‌گیری مجرای برای برخورداری نسل حاضر از توسعه اقتصادی، اجتماعی با رعایت حقوق نسل‌های آینده و حفاظت از محیط زیست می‌باشد.

این یک حقیقت است که ما مدیون مردم آینده هستیم، وجود نسل‌های آینده وابسته به تصمیم حال حاضر ما است، ما توانایی داریم به آنها آسیب بزنیم پس باید سیاست‌ها و برنامه‌ها برای جلوگیری از آسیب به آیندگان باشد، توسعه پایدار راهی برای جلوگیری از آسیب به آیندگان است. (Meyer, 2015: 601) البته دولت‌ها با توجه به توانمندی‌های خود بر گستردگی یا محدودیت توسعه پایدار می‌نگرند که در عمل چالشی برای حق بر محیط زیست سالم فراهم می‌آورد، اما راهکار خروج از این بن بست «توجه به انصاف بین نسلی است که برخی معتقدند توسعه پایدار باید

تبدیل به «توسعه بین نسلی» شود، به عبارتی سرمایه گذاری اقتصادی باید با حفظ حقوق نسل ها باشد به گونه ای که در عین توسعه، محیط زیست نسل بشری اعم از حاضر و آینده حفظ گردد، (Wolfe, 2008: 1901) بعلاوه استفاده از «اقتصاد سبز» است که می تواند معیارها را روشن تر نماید و راهنمای دولت ها در اجرای توسعه پایدار با حفظ و رعایت حق بر محیط زیست سالم نسل حاضر و آینده باشد. انصاف بین نسلی دلالت بر تعهد دولت ها به رعایت اصول کلی دارد با این رویکرد که آن ها نمی دانند به کدام نسل تعلق دارند. (موسوی، ۱۳۹۲: ۱۴۵) و اقتصاد سبز، اقتصادی است که موجب بهبود آسایش انسانی و عدالت اجتماعی و همچنین سبب کاهش قابل توجه خطرات زیست محیطی و کمیابی منابع گردد. (رمضانی قوام آبادی، ۱۳۹۳: ۱۳۱)

۴. توسعه پایدار و حق بر محیط زیست سالم در ایران

تفکر حقوق ایران در زمینه توسعه پایدار، پذیرش این نهاد و برایندهای آن بوده است. در عین حال حق بر محیط زیست سالم نیز از لابلای قوانین قابل تشخیص است، لذا به هر دو مقوله در نظام حقوقی ما توجه شده است و مورد شناسایی قرار گرفته است که ذیلا به بررسی آن ها می پردازیم.

اول: شناسایی توسعه پایدار

توسعه پایدار در حقوق ایران، غالبا به تأسی از موازین بین المللی مربوط و تعهدات ناشی از کنوانسیون های زیست محیطی و توجه ویژه سازمان حفاظت محیط زیست به بیانیه های استکهلم، ریو و ژوهانسبورگ، به صورت صریح و ضمنی مورد پذیرش قانونگذار قرار گرفته و به صورت نسبی در قوانین و مقررات آمده است.

الف- شناسایی صریح

در بند (د) سیاست های کلی نظام در دوره چشم انداز با عنوان «آمایش سرزمین، امور زیست محیطی و توسعه پایدار» دو بند مهم دائر بر شناسایی صریح توسعه پایدار آمده است:

۴۳- پایدارسازی فرایند توسعه با تکیه بر حفاظت از محیط زیست و بهره‌برداری بهینه از منابع

۴۴- تحقق توسعه پایدار، مبتنی بر دانایی در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیست‌محیطی کشور، به نحوی که ضمن ارتقای کیفیت زندگی، حقوق نسل‌های کنونی و آینده نیز محفوظ بماند.

ماده ۶۵، توسعه پایدار را به صورت تخصصی‌تر و در حوزه بوم‌شناختی مطرح نموده و اشعار داشته: «دولت موظف است نسبت به تدوین اصول توسعه پایدار بوم‌شناختی، به ویژه درالگوهای تولید و مصرف و دستورالعمل‌های بهینه‌سازی مربوطه اقدام نماید. دستگاه‌های مرتبط موظف به رعایت اصول و دستورالعمل‌های مذکور در طرحها و برنامه‌های اجرایی خود می‌باشند». همین ادبیات در حوزه‌های محیط زیست دریائی، و ... تا ماده ۷۱ این قانون تکرار شده است.

در قانون برنامه ۵ ساله پنجم توسعه مواد ۱۸۰ به بعد نیز مباحثی را مطرح می‌کند که مرتبط با توسعه پایدار است. بطور مثال در ماده ۱۸۴ به منظور تحقق اهداف مندرج در اصل ۵۰ قانون اساسی «نظام ارزیابی راهبردی محیطی» در سطوح ملی، منطقه‌ای و موضوعی پیش بینی شده است که در حقیقت رعایت توسعه پایدار را مد نظر دارد.

ب- شناسائی ضمنی

به عنوان نمونه، ماده ۱۰۴ قانون برنامه سوم (تفیزی در ماده ... برنامه چهارم) محتوای نهاد توسعه پایدار را چنین مورد تاکید و شناسائی قرار داده است: «به منظور حفاظت از محیط زیست و بهره‌گیری پایدار از منابع طبیعی کشور، اجرای موارد زیر الزامی است: الف - بهره‌برداری از منابع طبیعی کشور باید براساس توان بالقوه منابع صورت گیرد...» همچنین مواد ۱۸۵، ۱۸۷، ۱۸۹، ۱۹۱، ۱۹۲ نیز چارچوبی را برای اجرای توسعه پایدار مشخص کرده است. ماده ۵۹ قانون برنامه چهارم مقرر نموده: «سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور مکلف است با همکاری سازمان حفاظت محیط زیست و سایر دستگاه‌های مرتبط به منظور برآورد ارزشهای اقتصادی منابع طبیعی و زیست محیطی و هزینه‌های ناشی از آلودگی و تخریب محیط زیست در فرآیند

توسعه و محاسبه آن در حسابهای ملی، نسبت به تنظیم دستورالعمل‌های محاسبه ارزشها و هزینه‌های موارد دارای اولویت از قبیل؛ جنگل، آب، خاک، انرژی، تنوع زیستی و آلودگی‌های زیست محیطی در نقاط حساس اقدام و در مراجع ذی‌ربط به تصویب برساند. ارزشها و هزینه‌هایی که دستورالعمل آنها به تصویب رسیده، در امکان‌سنجی طرحهای تملک دارائی‌های سرمایه‌ای در نظر گرفته خواهد شد.

ج- توجه به عناصر توسعه پایدار

توسعه پایدار دارای عناصری است که مهم‌ترین آنها حفاظت از حقوق نسل‌های آینده، اجرای حق توسعه با رعایت الزامات زیست محیطی و توجه به انصاف بین نسلی است، خوشبختانه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نگاهی به حق نسل‌های آینده در اصل پنجاهم داشته است. مفهوم حق نسل‌های آینده که یکی از مفاهیم راهنما برای حقوق محیط زیست است (گروه صلح، کرسی حقوق بشر، ۱۳۹۱: ۳۱۶).

بر این ایده استوار است که نسل حاضر باید به گونه‌ای از منابع طبیعی استفاده کند که نسل‌های آینده نیز قادر به تأمین نیازها و منافعشان باشند محتوی اصل پنجاهم از این حیث حائز اهمیت است که به طور مستقیم توسعه پایدار و حقوق نسل‌های فعلی و آینده را مورد شناسایی قرار می‌دهد. (رمضانی قوام آبادی، ۱۳۹۲: ۹۵)

انصاف بین نسلی دومین عنصر و هسته توسعه پایدار است که در واقع سبب تقویت توسعه پایدار می‌شود، اصل ۳ اعلامیه ریو مقرر می‌دارد حق بر توسعه باید به ترتیبی تحقق یابد که به طور منصفانه نیازهای مربوط به توسعه و محیط زیست نسل‌های فعلی و آینده را تأمین نماید. البته انصاف بین نسلی که رعایت عدالت توزیعی بین نسل‌هاست براساس چه معیاری باید تقسیم صورت پذیرد بسته به جامعه و نوع سیستم اقتصادی حاکم بر آن است، که بهترین شیوه، همانا اقتصاد سبز است که با رعایت الزامات زیست محیطی همراه است، از طرف دیگر انصاف بین نسلی سبب می‌شود که نسل حاضر در برابر نسل آینده مسئولیت در حفاظت از منابع به منظور تأمین نیازهای آنها دارا می‌باشند. لازم به یادآوری است ماده ۳ قانون

حفاظت در برابر اشعه (مصوب ۱۳۶۸/۱/۲۱) مقرراتی وضع نموده است که حفاظت از کارکنان، مردم و نسل‌های آینده بطور کلی و محیط در برابر اثرات زیان آور اشعه را مورد حمایت قرار داده است. که نشان از توجه قانون گذار به توسعه پایدار و عناصر متشکله آن است.

دوم: شناسائی حق بر محیط زیست سالم

مبنای این حق اصل پنجاهم قانون اساسی است که این اصل محدودیت توسعه را به رعایت الزامات زیست محیطی مورد تاکید قرار داده است.

یکی از نکات مهم در اصل پنجاهم قانون اساسی این است که وجود محیط زیست لازمه حیات متعالی بشر تلقی شده که نسل امروز و نسل‌های بعد باید «در آن حیات اجتماعی روبه‌رشدی» داشته باشند. به واقع می‌توان گفت قانون اساسی اولویت حفاظت محیط زیست برای حیات متعالی بشر- در کلیت آن- را پذیرفته است. طبیعی است، این توسعه اقتصادی و اجتماعی است که باید بر الزامات محیطی و زیستی تطبیق داده شود و نه اینکه حفاظت محیط زیست با توسعه تطبیق یابد. بر این اساس، در قوانین عادی نیز هرگاه سازوکارهای حل اختلاف و انتخاب بین گزینه حفاظت محیط زیست و گزینه توسعه از اختیار مطلق برخوردار شده‌اند (نظیر تبصره ماده ۱۷ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست)، مرجع حل اختلاف و تصمیم گیرنده باید توجه داشته باشد که قانون اساسی اصل را بر حفاظت محیط زیست قرار داده است.

نکته دیگری که بر مبنای اصل چهل و پنجم قانون اساسی قابل استخراج است محیط زیست را به مثابه ثروت عمومی تلقی نموده است: «انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های موات یا رها شده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نزارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث و اموال مجهول‌المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می‌شود در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید. ترتیب و تفصیل استفاده از هر یک را قانون معین می‌کند» در قوانین

عادی نیز حفاظت از گونه‌های طبیعی به منزله ثروت عمومی مورد شناسایی قرار گرفته است، اولین مصوبه در این خصوص طرح قانونی راجع به شکار مصوب ۱۱ بهمن ماه ۱۳۳۵ مجلسین بود که حمایت از نسل حیوانات با هدفی خاص مورد توجه قرار گرفت (گروه صلح ترسی حقوق بشر، ۱۳۹۱: ۳۲۳).

همچنین قانون شکار و صید ۱۳۴۶ نقش موثری در حفاظت از اکوسیستم ایفاء نمود تا اینکه قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست در ۱۳۵۳/۳/۲۸ به تصویب رسید و مدیریت زیست یک کشور به یک سازمان واگذار گردید که سازمان حفاظت محیط زیست وظیفه حفاظت و بهبود محیط زیست را عهده دار گردیده البته باید گفت در نظام حقوقی ایران و بر اساس اصل پنجاهم، حفاظت از محیط زیست بر عهده عموم گذارده شده است بنابراین حفظ محیط زیست وظیفه عمومی بوده که شامل دولت و شهروندان می‌شود (کیال، ۱۳۸۳، ص ۲۷۹). لازم به ذکر است که بر مبنای اصل مذکور پیوندی میان اقتصاد و حفظ محیط زیست برقرار شده است که البته نمی‌توان اینگونه تفسیر نمود که فعالیت در اقتصادی که به تخریب محیط زیست منجر می‌شود مانعی نخواهد داشت (مشهدی ۱۳۹۳: ۵۶۳) لذا در فعالیتهای اقتصادی حفاظت از محیط زیست در اولویت قرار می‌گیرد. هر چند اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صراحت حفاظت از محیط زیست را یک وظیفه عمومی بیان داشته اما علی رغم این تصریح قانونی وضعیت محیط زیست در ایران به شدت نگران کننده شده است به طوری که بنا به گزارش شاخص عملکرد محیط زیست در سال ۲۰۰۶ رتبه ایران از میان ۱۳۳ کشور جهان با عدد شاخص ۷۰ در مقام ۵۳ قرار گرفته است، در دوره ارزیابی بعدی در سال ۲۰۰۸ رتبه عملکرد ایران با ۱۵ پایه نزول به ۶۸ می‌رسد و در آخرین رده بندی در سال ۲۰۱۰ نیز با ۱۰ پایه نزول به رتبه ۷۸ تنزل یافته است. انتشار این آمار رسمی این نکته را به ذهن تبادر می‌کند که بازیگران محیط زیست ایران اعم از توده‌های مردم، جامعه دانشگاهی، بنگاه‌های اقتصادی و در رأس همه دولت در زمینه حفاظت از محیط زیست و جلوگیری از گسترش و تخریب و آلودگی نا موفق بوده‌اند (رمضانی قوام آبادی، ۱۳۹۱: ۲۳۲).

سوم: مورد پژوهشی تعارض نسبت توسعه پایدار با حق بر محیط زیست مشکلی که در این خصوص قابل توجه می‌نماید اینست که همساز نمودن جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی توسعه با ملاحظات زیست محیطی، گاه به صورت عکس عمل نموده است. به عنوان نمونه، در قانون برنامه سوم توسعه که مهمترین پیشرفت زیست محیطی را با تکیه بر مفهوم پایداری توسعه در حقوق ایران وارد نموده، توسعه پایدار به صراحت از نظر مفهومی مورد قبول قرار گرفته اما هنگامی که مساله تعارض جدی توسعه و حفاظت محیط زیست مطرح می‌شود و حامیان توسعه اعتنائی به تذکرها و ممانعت‌های سازمان حفاظت محیط زیست نمی‌نمایند، قانونگذار سازمان مذکور (و نه حامیان توسعه) را ملزم نموده که تدابیر خود را به نحوی بر پروژه‌های توسعه‌ای بزرگ تحمیل کند که «پروژه‌های مذکور متوقف نگردد».

ماده ۱۰۵ این قانون (که در قانون برنامه چهارم نیز تنفیذ شده است) مقرر داشته که: «کلیه طرحها و پروژه‌های بزرگ تولیدی و خدماتی باید پیش از اجرا و در مرحله انجام مطالعات امکان سنجی و مکان‌یابی، براساس ضوابط پیشنهادی شورای عالی حفاظت محیط زیست و مصوب هیأت وزیران مورد ارزیابی زیست محیطی قرار گیرد. رعایت نتایج ارزیابی توسط مجریان طرحها و پروژه‌های مذکور الزامی است. نظارت بر حسن اجرای این ماده برعهده سازمان برنامه و بودجه می‌باشد.

تبصره - سازمان حفاظت محیط زیست موظف است راهکارهای عملی و اجرائی پروژه‌های عمرانی و اشتغال زائی در مناطق حفاظت شده رابه‌طریقی فراهم نماید که ضمن رعایت مسائل زیست محیطی، طرح‌های توسعه عمرانی متوقف نگردد».

هرچند این ماده به صورت صریح به برتری ملاحظات توسعه‌ای بر حفاظت محیط زیست اشاره نکرده اما به صورت ضمنی چنین دیدگاهی را پرورش داده است. به واقع، سازمان تنها در صورتی می‌تواند ملاحظات زیست محیطی خود را تحمیل کند که با ارائه راهکارهای جایگزین و ارائه طریق به مجریان طرحهای مذکور، مانع از توقف اصل فعالیت آنها نشود. در غیر این صورت، رعایت مسائل زیست محیطی به عنوان مانع توسعه و غیرقابل حمایت خواهد شد.

لازم به ذکر است که خوشبختانه تبصره مذکور در ماده ۱۹۲ قانون برنامه پنجم توسعه حذف و مقرر گردید به منظور کاهش عوامل آلوده کننده و مخرب محیط زیست کلیه واحدهای بزرگ تولیدی، صنعتی و عمرانی و خدماتی و زیر بنایی موظفند الف) طرح‌ها و پروژه‌های بزرگ تولیدی، خدماتی و عمرانی خود را، پیش از اجرا و در مرحله انجام مطالعات، امکان‌سنجی و مکان‌یابی بر اساس ضوابط مصوب شورای عالی حفاظت محیط زیست مورد ارزیابی اثرات زیست محیطی قرار دهند. رعایت نتیجه^۱ ارزیابی‌ها توسط مجریان طرح‌ها و پروژه‌ها الزامی است. (قانون برنامه پنج ساله پنجم ۱۳۸۹)

نتیجه‌گیری

توسعه پایدار نوعی توسعه است که بهبود واقعی کیفیت حیات بشر و رسیدن به رشد اقتصادی و اجتماعی را همزمان با حفظ تنوع زیست محیطی مورد توجه قرار می‌دهد. هدف توسعه پایدار آشتی دادن میان مؤلفه‌های چندگانه توسعه و حفاظت از محیط زیست است، از طرف دیگر حق بر محیط زیست سالم انسان‌ها، تبدیل به یک قاعده عرفی شده است که نه تنها در اسناد و رویه قضایی بین‌المللی تاکید شده است بلکه امروزه از آن به عنوان یک حق بشری از نسل دوم یاد می‌شود، اما چگونه می‌توان توسعه‌ای داشت که در عین رسیدن به ترقی و تعالی جنبه‌های مختلف حیات بشری، محیط زیست سالم و پاک نیز برای بشریت حفظ شود زیرا حداقل توسعه اقتصادی نیاز به الزامات و زیرساخت‌هایی دارد که ممکن است محیط زیست بشر را با خطر همراه سازد و گاهی با آن در تعارض قرار گیرد، اینجاست که توسعه پایدار به عنوان نوش دارویی سبب برقراری ارتباط میان توسعه و محیط زیست می‌شود، در توسعه پایدار، حق بر محیط زیست سالم نیز مد نظر است، الگویی است که اولویت را به رعایت الزامات زیست محیطی داده است در پاسخ به سؤال طرح شده باید گفت از آنجا که توسعه پایدار دارای هسته‌های سختی است که یکی از آن‌ها، رعایت حق بر محیط زیست سالم است به نظر می‌رسد هر دو هدف واحدی را دنبال می‌کنند و آن حرکت هدفمند جهت تضمین و تثبیت حق توسعه و حفظ محیط زیست نسل

حاضر و رعایت حق بر محیط سالم و «متوازن» و نیازها و منافع نسل‌های آینده است که منجر به شکل‌گیری مفهوم جدیدی در حقوق بین‌الملل محیط زیست به نام «حق نسل‌های آینده» شده است. لازمه تمتع و استیفا حق نسل‌های آینده رعایت کامل توسعه پایدار و استفاده از ایده «انصاف بین‌نسلی» از طریق به کارگیری مکانیسم جدیدی به نام «اقتصاد سبز» است که لازم است معیارها و سیاستهای اقتصاد سبز توسط دولت‌ها تدوین و تصویب گردد تا «توسعه پایدار از گفتار به عمل» تبدیل گردد. در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران نیز با وجود اینکه «مفهوم توسعه پایدار» و ایده رعایت «منافع نسل‌های آینده» در اصل پنجاهم قانون اساسی پیش‌بینی شده است اما هنوز به عنوان «حق نسل‌های آینده» شناسایی نشده است که پیشنهاد می‌شود، قانون عادی جهت حفظ محیط زیست برای نسل‌های آینده با توصیف و تعیین معیارها و ضوابط آن در راستای اجرایی کردن اصل پنجاهم به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.

منابع

الف- فارسی

- اسلامی ر.، ۱۳۹۳. آموزش حقوق بشر، تهران انتشارات مجد، چاپ اول
- انصاری، ب. ۱۳۹۱. مبانی حقوق همبستگی، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱ شماره ۴.
- تحقیقی از دانشگاه هاروارد، ۱۳۹۲. حقوق بین‌الملل محیط زیست ترجمه سید فضل الله موسوی، تهران انتشارات میزان چاپ دوم
- تسون، ف. ۱۳۹۲. فلسفه حقوق بین‌الملل، ترجمه محسن محبی، تهران انتشارات شهر دانش

جمال زاده فلاح، ف. ۱۳۸۲، بررسی سیستمی مواهب طبیعی در برگهای سبز الهی در سازمان حفاظت محیط زیست، مجموعه مقالات اولین همایش اسلام و محیط زیست، تهران انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست.

رحمت الهی، ح و شیرزاد، امید. ۱۳۹۳، حق بر محیط زیست سالم در رویه قضایی دیوان عدالت اداری دو فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال سوم، شماره ۶
رمضان قوام آبادی، م. ۱۳۹۲. از ریو تارویو در تکاپوی توسعه پایدار، مجله تحقیقات حقوقی شماره ۶۲

رمضانی قوام آبادی، م. ۱۳۸۸. مشارکت و نقش زنان در حقوق بین الملل محیط زیست، مجله مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان، سال ۷ شماره ۳

رمضانی قوام آبادی، م. ۱۳۹۲. بررسی تطبیقی اجرای اصل احتیاط زیست محیطی در پرتو آرا و تصمیمات مراجع بین المللی پژوهش حقوق عمومی، سال ۱۵ شماره ۴۰
رمضانی قوام آبادی، م. ۱۳۹۰. تقریرات درس حقوق بین الملل محیط زیست، دوره دکتری دانشگاه شهید بهشتی. دست نوشت..

رمضانی قوام آبادی، م. ۱۳۸۹. بررسی اصل مشارکت در حقوق بین الملل محیط زیست فصلنامه پژوهش حقوق سال ۱۲ شماره ۲۹

رمضانی قوام آبادی، م. ۱۳۹۲. حفاظت از محیط زیست در حقوق اساسی جمهوری اسلامی فصلنامه دیدگاههای حقوق قضایی، شماره ۶۳

رمضانی قوام آبادی، م. ۱۳۹۱. بررسی راهبردی آموزش حفاظت از محیط زیست در ایران، ضرورتها و تنگناها فصلنامه راهبرد، سال ۲۱، شماره ۶۵.

رمضانی قوام آبادی، م. ۱۳۹۳. اقتصاد سبز گامی به سوی تحقق توسعه پایدار در حقوق بین الملل محیط زیست دو فصلنامه دانشگاه حقوقی اقتصادی، دوره جدید، سال ۲۱ شماره ۶
قاری سید فاطمی، س. ۱۳۸۸، حقوق بشر در جهان معاصر. دفتر یکم، تهران انتشارات شهر دانش چاپ دوم.

ژانرو، م. ۱۳۸۲. بشریت و حاکمیت ها در حقوق بین الملل، ترجمه مرتضی کلاتریان تهران انتشارات آگه

کینگز بری، ب. ۱۳۸۹، نظام حقوق بین الملل ترجمه سید قاسم زمانی و آرامش شهبازی در مجموعه مقالات فرجام حقوق بین الملل، نوسان میان تکنیک و تدبیر، تهران انتشارات شهر دانش

کیس، ا. ۱۳۹۲. حقوق محیط زیست جلد سوم، ترجمه محمد حسین حبیبی، تهران انتشارات دانشگاه تهران

گروه صلح، کرسی حقوق بشر. ۱۳۹۱. دانشگاه شهید بهشتی. تهران نشر دادگستر چاپ دوم شهبازی، آ. ۱۳۸۹. توسعه پایدار یا پایداری توسعه در حقوق بین الملل، مجله حقوق بین المللی بشر، مرکز امور حقوقی بین الملل ریاست جمهوری سال ۲۷، ش ۴۲ صلح چی، م و در گاهی، رامین. ۱۳۹۲. بررسی ماهیت حقوق همبستگی حقوق جمعی یا مردمی فصلنامه پژوهش حقوق عمومی سال ۱۵ شماره ۴۱

شمسایی، م. ۱۳۸۵. حقوق بین الملل اقتصادی، مجله پژوهش حقوق و سیاست شماره ۱۹. ساعد، ن. ۱۳۸۸. حقوق بشر و محیط زیست، برنامه عمران ملل متحد و دانشگاه شهید بهشتی، تهران کرسی حقوق بشر، چاپ اول

عبد الهی، م و معروفی سعیده. ۱۳۸۹. مسولیت مشترک اما متفاوت در حقوق بین الملل محیط زیست، فصلنامه پژوهش حقوق، سال ۱۲ شماره ۲۹

عباسی، ب. ۱۳۹۰. حقوق بشر و آزادیهای بنیادین، تهران نشر دادگستر، چاپ اول.

لری د و همکاران. ۱۳۹۴. آینده حقوق بین الملل محیط زیست، ترجمه مهرداد محمدی، تهران انتشارات شهر دانش، چاپ اول

مسعودی، ع. ۱۳۹۴. حقوق بین الملل محیط زیست با تکیه بر نقش دیوان بین المللی دادگستری در توسعه آن تهران انتشارات مجد، چاپ اول

مولایی، ی. ۱۳۸۱. حق توسعه و جهانشمولی حقوق بشر، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی تهران شماره ۵۶.

مولایی، ی. ۱۳۸۶. نسل سوم حقوق بشر و حق بر محیط زیست سالم، فصلنامه حقوق مجله دانشگاه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۴، دوره ۳۷

مشهدی، ع. ۱۳۹۳. اساسی سازی ماهوی حق بر محیط زیست در حقوق ایران و فرانسه، مجله مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۵، شماره ۲

میرزاده، ن و سپهری فر، سیما. ۱۳۹۲. تعامل حق بر محیط زیست سالم و حق بر بهداشت فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال دوم شماره ۴.

سیاست‌های کلی نظام و قانون برنامه‌های پنجم توسعه، جمهوری اسلامی ایران، چاپ معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری ۱۳۸۹

قانون حفاظت در برابر اشعه، مصوب ۲۱ / ۱ / ۱۳۶۸ مجلس شورای اسلامی

قانون شکار و صید ۱۳۴۲

- Berssin, P.2005., the Environment as a human right The international Journal of human right, vol 43.
- Donnelly, J.,2001. universal human rights in theory and practice, cornell university press.
- Elliot, J.2006., An introduction to sustainable development, third Ed, London, Routledge taylors and francis group.
- Grosseries, A.2008., on future Generation future Rights the journal of political philosophy, vol 16. Number 4.
- Harvard law school.,2008., the international Human Rights clinic at Harvard law school An Environmental Right for future generations, available at [http // www.law.harvard.edu/programs/hrp](http://www.law.harvard.edu/programs/hrp).
- Pearce C.2012., embudspersons for future Generations A proposal for Rio+20, unep program 2012 issue No.6
- Elver, H.1999., New mechanism water as a fundamental human right. In R talk, H. Elver and L. Hajjar, Human Rights, London, Routledge vol.II.
- Meyer L.2015. intergenerational justice Chicago journal of international law vol, 13
- Raffensperger, C.2008. models for protecting the Environment for future Generations, the international Human Rights clinic at Harvard law school available at [http// ww.sehn.org](http://ww.sehn.org)
10. sachs, wolfgang.2003., "environment as Human " published by wappertal institute for climate, Environment Energy. no 137
- Vandervall k.1990., collective Human Rights a Western view, in Human Rights in a pluralist world individuals and collectives, the Editors Jan Berting and other, Netherlands commission for unesco, Meckler, Westport/ London
- Dowolewell, E.1997. Environmental law as a vehicle for Achieving sustainable Development. in Essasy on international law, new-delhi, Asian-African legal consultative committee, 1997..
- Wellman C.2000. solidarity, the individual and Human Rights, human rights Quarterly.vol 22
- Weiss. E.2009. international law in a Kaleidiscopic world, Asian society of international law, Tokyo, Japan, Agust.1,2009.
- Weiss, E.2015. our rights and obligation to future generation for the Environment, American society of international law vol 84. stable url [http// www.Jstov.org/stable/2203020](http://www.Jstov.org/stable/2203020)

- Wolf, M.2008., the shadows of future generation, Duke law Journal vol 57.
- Treaty Nations Conference on the Environment in stockholn, in 1972.
Declaration on the Right to development Doc. A/RES/141/128,4
December 1986
- sustainable word summit on JOHANS Burg development 2002.
- Convention on Biological Diverstiy, Rio de Janeiro, 5June 1992,
entered into force 29 December 1993,1760 UNTS 79.1992.
- United Nations Framework Convention on Climate Change,
1771UNTS 107;S.Treaty Doc no. 102-38;UN
Doc.A/AC.237/18
- United Natiois 22. Millennium Declaration, UN Doc. A/Res/55/2.2000.
UN.Doc.A/44/25/1989
UN.Doc.CCRR/C/21Rew.1989
I.C.J.Gabcikovo-nagymaros project 1997 <http://www.un.org> Cambridge
Black well